

تبیین پیامدهای رابطه اسرائیل و امارات متحده عربی بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

مجید دهقانیان^۱، بهادر زارعی^۲، آرش قربانی سپهر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

چکیده

جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران باعث شده تا این کشور نقش مهمی در موضوعات و پدیده‌های غرب و جنوب غرب آسیا ایفا نماید. وجود اختلاف‌های ریشه‌ای و بنیادین با اسرائیل و نامشروع بودن حکومت اشغالگر سرزمین اسلامی فلسطین، باعث شده تا ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای برای بالا نگه‌داشتن وزن ژئوپلیتیکی خود، مناسبات قدرت در منطقه را رصد کرده و پیامدهای مناسبات اسرائیل و کشورهای همسایه خود را در نظر بگیرد. هدف این پژوهش، شناسایی پیامدهای امنیتی ارتباط امارات متحده عربی و اسرائیل است که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. روش این پژوهش کیفی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌های پژوهش با در نظر گرفتن نظریه امنیت منطقه‌ای بوزان و ویور نشان می‌دهد که عادی شدن تدریجی روابط سیاسی اعراب غرب آسیا با اسرائیل، تضعیف ایدئولوژی ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی ایران، رصد اطلاعاتی کشور، تأثیر بر موازنه قوا در منطقه ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا از مهم‌ترین پیامدهای این ارتباط می‌باشد.

کلید واژه‌ها: امنیت، امنیت ملی، ژئوپلیتیک، امارات متحده عربی، اسرائیل.

۱- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، majid.dehghanyan@ut.ac.ir

۲- استادیار جغرافیای سیاسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، b.zarei@ut.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، arash.sepehr91@yahoo.com

۱ - مقدمه و بیان مسأله

منطقه خلیج فارس واقع در جنوب غرب آسیا، متشکل از کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان است و از موقعیت ژئوپلیتیکی و ارتباطی ممتاز و ذخایر عظیم انرژی، ظرفیت عظیم تولید ثروت و بازار بزرگ مصرف بهره‌مند است. از نظر توزیع جغرافیایی قدرت، مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای، دو کشور ایران و عربستان هستند که پس از انقلاب اسلامی ایران، روابط سرد و گاه تنش‌آلود این دو کشور، آثار خود را بر مناسبات و روابط منطقه‌ای گذاشته است؛ به طوری که از بین کشورهای منطقه خلیج فارس، به ترتیب کشورهای عراق، عمان و تا اندازه‌ای قطر، روابط مسالمت‌آمیزی با ایران دارند و دیگر کشورهای منطقه رویکرد تقابلی در برابر ایران را در پیش گرفته‌اند. پیدایش و تداوم این رویکرد به دلایل متعدد مانند ایدئولوژی (وهابیت/شیعه)، ساخت سیاسی قدرت، نوع نظام سیاسی کشورها، ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، مداخله‌گری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحده آمریکا باز می‌گردد. از این رو، رویکرد تقابلی مبنای روابط و مناسبات همسایگی قرار گرفته است تا رویکرد همکاری‌گرایانه. سؤال اصلی این است که متغیر اسرائیل چگونه توانسته است به‌عنوان یک متغیر برون‌منطقه‌ای مداخله‌گرانه از طریق برقراری روابط با امارات متحده عربی، بر امنیت منطقه‌ای ایران تأثیر گذارد.

به لحاظ تاریخی، پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، روابط دو کشور ایران و اسرائیل گرم و مبتنی بر تعامل بود؛ اما بعد از انقلاب اسلامی و بروز ارزش‌های اسلامی در ماهیت سیاست خارجی ایران و اعلام آن در دفاع از حقوق ملت فلسطین، رابطه این دو کشور به سرعت از ماهیت تعاملی به تقابلی تغییر جهت داد. به بیان دیگر، کاربرد ارزش‌های اسلامی در سیاست خارجی ایران مانند «قاعده حمایت از مظلوم در برابر ظالم»، «ماهیت مبارزات مبارزان مظلوم در مقابله با حکومت ظالم»، «بازنمایی واقعه عاشورا و مظلومیت امام حسین (ع)^۱» به ایجاد گفتمانی انجامید که می‌توان آن را «گفتمان مظلوم‌محور» نامید. نتیجه عینی اهمیت یافتن مسئله ظالم - مظلوم در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده است (مشیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۱۰). بدین ترتیب،

۱- در محرم سال ۱۳۵۷ این ارزش بر شدت مبارزات افزود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری گفتمان مظلوم‌محور، تمام سوژه‌های مخاطب ایران انقلابی از دریچه این گفتمان نگریسته می‌شدند و رفتاری در قبال آنان اتخاذ می‌شد که این گفتمان، آن را متصور می‌دید. این امر به تمام ابعاد تسری یافت و تفاوتی در ابعاد داخلی، خارجی و بین‌المللی آن دیده نمی‌شد (همان).

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ اهداف و علائق ژئوپلیتیکی خود، نیازمند شناخت و ارزیابی کشورهای همسایه و منطقه است تا در عرصه رقابت‌ها و تهدیدها بتواند در راستای حفظ منافع و اقتدار خود به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای به ایفای نقش پردازد. هدف اصلی این پژوهش، شناخت و تبیین آن دسته از پیامدهایی است که می‌تواند با ایجاد ارتباط میان اسرائیل و امارات متحده عربی، امنیت منطقه‌ای ایران را تحت تأثیر قرار بدهد. در واقع به دلیل پیچیدگی، تعدد روندها و پیشران‌ها و غیرقابل پیش‌بینی بودن تحولات در منطقه جنوب غرب آسیا ضرورت دارد تا توجه بیشتری به ابعاد این توافق صورت گیرد.

مسأله اصلی

توجه به برقراری روابط امارات و اسرائیل و از طرفی مسأله اصلی آن که عبارت است از تأثیرات آن بر امنیت منطقه‌ای ایران، موضوع این پژوهش است که به دنبال تبیین این پیامدها هستیم. بنابراین ابتدا به بررسی سیاست و امنیت منطقه‌ای امارات متحده عربی می‌پردازیم و زوایای آن را روشن می‌سازیم؛ سپس با مطالعه کوتاه از پیشینه روابط علنی و غیر علنی اسرائیل و امارات، ابعاد گوناگون این توافق را بررسی خواهیم کرد. در نهایت هم پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم رابطه و توافق راهبردی امارات متحده عربی و اسرائیل را که بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است، بیان خواهیم کرد.

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- ادبیات نظری

مفهوم امنیت در مقیاس‌های جغرافیایی

براساس فرهنگ لغت «لاروس»، امنیت چنین تعریف شده است: امنیت، اعتماد، آرامش روحی و روانی است. تفکری که براساس آن، خطر، ترس، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود.

«فقدان مخاطرات». تعریف فرهنگ لغت «معین» از امنیت چنین است: «ایمن شدن، در امان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی». در فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، واژه امنیت، «بی‌خطر کردن، تأمین کردن، امن کردن، در امان نگه‌داشتن، با اطمینان کردن» تعریف شده است (نوروزی، ۱۳۷۴). در واقع، امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است، یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد (خوش‌فر، ۱۳۷۸). بدیهی است عوامل بیرونی در به وجود آمدن این ادراک و احساس به طور مستقیم نقش دارند. همچنین، امنیت پدیده‌ای متأثر از مؤلفه‌های مادی - ذهنی به شمار می‌آید که دیگر چنان دوران جنگ سرد، نمی‌توان آن را در ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود (آرلیتل، ۱۳۸۱، ۵۹). به‌طور خلاصه می‌توان گفت که دو نوع گفتمان سلبی و ایجابی در مطالعات امنیت وجود دارد. با توجه به اینکه «تهدید» و «ارزش» کلماتی بنیادین در مطالعات امنیتی است، اگر امنیت را با استفاده از کلمه «ارزش» معنا و تفسیر کنیم به گفتمان ایجابی و اگر در برابر کلمه «تهدید» معنا کنیم، به گفتمان سلبی امنیت پرداخته‌ایم (افتخاری، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۸). در اینجا لازم است نگاهی به امنیت از منظر اسلام داشته باشیم.

از منظر اسلام، امنیت یکی از اصول فردی و جمعی، زمینه‌ساز بهره‌وری از مزایا و مواهب حیات و تکامل بشر و یکی از مقدس‌ترین آرمان‌ها است. قرآن کریم امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد و احساس امنیت را از خصایص مؤمن معرفی می‌کند و تأمین امنیت را از اهداف جهاد می‌شمارد. از آیات و روایات چنین به دست می‌آید که امنیت از نعمت‌های بزرگ خداوند و مقدم بر سایر نیازمندی‌های بشر است (منتظران و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵). درباره اهمیت و جایگاه امنیت در اسلام همین نکته بس که امنیت در روایتی در زمره یک از دو نعمتی قرار گرفته است که انسان قدر آن را نمی‌داند، مگر این که به مصیبتی گرفتار شود: «النعمتان مجهولتان، الصحه و الامان»^۱. در این روایت، امنیت هم شامل امنیت جانی

۱- پیامبر (ص) فرمودند: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ»، (دو نعمت است که ناشناخته است: امنیت و تندرستی). الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۴، ۱۷۰.

می‌شود و هم شامل امنیت مالی و فکری. اگر کشوری یا جامعه‌ای امنیت نداشته باشد، مشکلات بسیاری خواهد داشت و در هیچ یک از موقعیت‌های خود رشد نخواهد داشت. به همین دلیل است که اسلام به امنیت بسیار اهمیت می‌دهد (کاظمی، ۱۳۸۹).

امنیت ملی: واژه امنیت به عنوان مفهوم عام، تمامی شئونات و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. وجود اختلافات فی‌مابین رهیافت‌های مختلف علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل بر برداشت‌ها و تعاریف مختلف و بعضاً متفاوت این رهیافت‌ها از مفاهیمی چون امنیت تأثیرگذار است. امنیت در لغت فارسی به معنی ایمن شدن، در امان بودن، بی‌خوفی، بی‌بیمی، ایمنی و جای امن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۳۳۷۷). تعریف لغوی امنیت عبارت از: حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است (بوزان، ۱۳۹۱: ۱۳۳). بوزان ابعاد امنیت را در پنج بُعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فردی و زیست محیطی گسترش می‌دهد. مطالعات سنتی رئالیست‌ها، امنیت را در نبود «تهدیدات نظامی» تعریف می‌کنند، لیبرال‌ها امنیت را در وجود «صلح» جستجو می‌نمایند. در حالی که مکتب کپنهاگ را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به مفهوم امنیت دانست. در واقع چارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاگ اصلاح شده است (پیشین، ۱۳۴). بنا بر تعریف والتر لپمن، امنیت در معنی عام کلمه، همیشه همراه با قدرت نظامی خواهد بود، چون بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در دفع حمله نظامی است. باید گفت که امروز امنیت چیزی بیش از داشتن نیروی نظامی و توانایی در دفع حمله نظامی و پیروزی در جنگ است؛ بنابراین در جهان امروز مفهوم امنیت ملی پوی‌تر، تلاش‌ها، چالش‌ها، هدف‌ها و تدبیرهای دیگری را نیز در بر می‌گیرد. از آنچه گذشت می‌توان گفت که اگر مفهوم امنیت به معنای زیر بکار رود، مطلوب‌تر و کامل‌تر است:

۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، سعی در دوام و استواری نظام (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و حاکمیت کشور؛

۲- حفظ منافع حیاتی کشور؛

۳- فقدان تهدید خارجی نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور (عامری، ۱۳۸۷: ۳۳۲).

والفرز امنیت ملی را: «نبود تهدیدها نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و نبود ترس از آنکه این ارزش‌ها مورد تهدید قرار گیرد، می‌داند» (چگنی زاده، ۱۳۷۹، صص ۶۷-۶۸). دیوید بالدوین، به جای عبارت «نبود تهدیدها» در تعریف والفرز، احتمال آسیب‌زدن کم و نابودی ارزش‌های مکتسب به کار می‌رود (بالدوین، ۱۳۸۰: ۱۵۲). در واقع، امنیت تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده است. همه موجودات در تقلاي بقا و حفظ وجود و حیات سالم خود می‌باشند و امنیت عامل تأمین این نیاز اساسی و حیاتی است؛ لذا امنیت مهم‌ترین آرمان انسان و موجود زنده تلقی می‌شود. بنابراین طیفی از انواع امنیت وجود دارد که با طیف نیازهای انسان برابری می‌کند؛ نظیر امنیت غذایی، بهداشتی و درمانی، آموزشی و تربیتی، تفریحی، رفاهی، اقتصادی، زیستگاهی و... (حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۳۲۵). براساس این پژوهش امنیت انسانی عبارت است از:

۱- ایمنی از تهدیدهای مزمن و دیرینه‌ای چون گرسنگی، بیماری و سرکوب؛

۲- در امان بودن از برهم خوردن ناگهانی و زیان‌آور الگوهای روزمره زندگی در خانه، محل کار یا جوامع. تأمین امنیت انسانی به این معنا مستلزم اتخاذ یک رویکرد هفت‌بعدی است که به امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی توجه می‌کند (کر، ۱۳۸۸: ۲۴۱-۲۴۲). مفهوم امنیت ملی برای هر دولت - ملتی از قداست والایی برخوردار است، تا جایی که می‌توان تمامی اهداف و سیاست‌های ملی را برای دستیابی به آن بسیج کرد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ۱۹). امنیت ملی را می‌توان شرایط و فضایی که یک ملت طی آن قادر است اهداف و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خود را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد و یا حداقل در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی آن‌ها را حفظ نماید، تعریف کرد. در عرصه سیاست و ژئوپلیتیک، تهدید عبارت است از هرگونه قصد، نیت، حادثه و اقداماتی که ثبات سیاسی و اقتصادی، منافع حیاتی و امنیت ملی یک کشور را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد (زارعی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). مراد از امنیت ملی، ایمن و در امان بودن نسبی تمامی نیازها و ارزش‌های حیاتی مردم در برابر تهدیدها و نیز ادامه روند رو به تزاید قدرت دولت در بستر زمان برای پاسخگویی به انتظارات فزاینده تمامی افرادی است که ملت را تشکیل می‌دهد (تهامی،

۱۳۸۴: ۷۸). به زبان جغرافیایی، امنیت ملی به مفهوم وجود شرایطی است که در آن از وجود هر نوع خطر و تهدیدی نسبت به تمامیت ارضی و استقلال کشور، وحدت ملی، اقتدار و اعتبار ملی، ثروت ملی، نهادهای حکومتی، ارزش‌ها، عقاید و مقدسات، حیثیت، مال و معیشت و در یک کلام همه مؤلفه‌هایی که در گستره چتر منافع ملی یک کشور قرار دارند و در چارچوب قوانین کشور به طور نسبی در امان باشند، اطلاق می‌شود. حفظ موجودیت کشور، امنیت ملی و وحدت ملی واژگان مختلفی هستند که متوجه یک معنی و پدیده می‌باشند و آن چیزی جز بقای کشور نیست (عامری، ۱۳۸۷: ۳۳۰). اهدافی که به عنوان امنیت ملی پیگیری می‌شوند عبارتند از:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی،
- ۲- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور،
- ۳- حفظ و اشاعه‌ی ارزش‌های ملی و اعتقادی،
- ۴- فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی.

یکی از ابعاد مهم امنیت ملی در هر کشوری، تأمین امنیت اقتصادی آن ملت است که به عنوان چهره جدید و مهم امنیت در دنیای معاصر محسوب شده و در همه سطوح فردی، اجتماعی و ملی توجه نظریه‌پردازان را به خود جلب کرده است. از سال ۱۹۴۵، ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار سیاسی یافته است. امنیت اقتصادی به معنای دارا بودن ثبات اقتصادی، تولید انبوه، صادرات متناسب، کافی بودن منابع مالی، تأمین رفاه اقتصادی و معیشت مردم است. در سطح فردی، امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات این بُعد از امنیت، زمانی حاصل می‌گردد که منابع مادی و معنوی اقتصادی در برابر خطرات و تهدیدات حفظ شده و تولید ناخالص ملی از حرکتی رو به رشد و با ثبات برخوردار باشد، عدالت اقتصادی در جامعه تحقق یابد، درآمد سرانه افراد پاسخگوی تأمین نیازهای آنان باشد و ارتقای کمی و کیفی و چشم‌انداز آینده زندگی را تضمین نماید. امنیت اقتصادی به معنی آن است که مردم نیازهای اساسی خود در ابعاد اشتغال، معیشت، مسکن، پوشاک، آموزش، بهداشت و درمان و درآمد اقتصادی مطلوبی داشته باشند (نسادورایی، ۲۰۰۵: ۹).

امنیت منطقه‌ای: مفهوم «امنیت منطقه‌ای»^۱، از نظر ترکیب واژگانی، دارای دو واژه امنیت و منطقه است (مورگان، ۱۳۸۰: ۴۰). هر دو واژه پیچیده هستند و تعریف قابل قبول مشترکی برای آن‌ها وجود ندارد. با توجه به مشکلات نظری فراوان درباره این دو واژه، می‌توان گفت امنیت یا ناامنی منطقه‌ای می‌تواند از مجموعه سطوح کشمکش یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آید (پورتالب: ۱۳۹۱). در سراسر قرن بیستم، دولت‌ها به همسایگان نزدیک خود به عنوان منابع بالقوه تهدید یا ایمنی می‌نگریستند. با تمرکز بر این همسایگان، دولت‌ها در جستجوی ایجاد قواعد و هنجارهایی بودند که براساس آن قواعد، در یک مجموعه‌ی منطقه‌ای خاص، اقدام کنند. باری بوزان معتقد است: ماهیت ارتباطی امنیت، فهم الگوهای امنیت ملی یک دولت را بدون درکی اساسی از وابستگی متقابل الگوهای امنیت منطقه‌ای که در آن وجود دارد، ناممکن می‌سازد (پورتالب، ۱۳۹۱، به نقل از بوزان، ۱۳۷۸: ۵۵). در اینجا مفهوم «منطقه» به عنوان مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌گردد که به لحاظ جغرافیایی، در نزدیکی یکدیگر واقع شده‌اند.

نظریه امنیت منطقه‌ای بوزان و ویور، بر این فرض استوار است که پایان جنگ سرد آغاز ناامنی‌های بسیار گسترده‌ای شد که ریشه در محدودیت‌های مکاتب رئالیستی و ابعاد امنیت دارد؛ بدین ترتیب که مکتب واقع‌گرا با تلقی «دولت» به عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌الملل به عنوان یگانه عامل امنیت، از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد. او برای دستیابی به تحلیل واقعی از امنیت منطقه‌ای به روابط مبتنی بر قدرت، الگوی دوستی و دشمنی با دولت‌ها را افزود و تئوری «مجموعه‌های امنیتی» را مطرح کرد. در این نظریه، دولت‌ها مهم‌ترین واحد تحلیل به شمار می‌آیند و بر بخش‌های نظامی و سیاسی به مثابه حوزه اصلی روابط امنیتی تأکید می‌شود. همچنین، سیستم‌های منطقه‌ای و چارچوب برخورد با آن‌ها از نظر امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرد

و استقلال نسبی روابط امنیتی منطقه‌ای مشخص می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک حاصل تأثیر مؤلفه‌های فضای جغرافیایی بر قدرت و رقابت بازیگران است که در چارچوب تحول رویکردهای فضایی، عرصه‌های جدیدی را پیش‌روی بازیگران قرار می‌دهد و سبب تغییر مراکز قدرت از یک منطقه به منطقه دیگر در جغرافیای جهانی می‌شود. بازیگران به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های فضای جغرافیایی به دنبال هژمونی در این فضاها هستند. فریدمن ژئوپلیتیک را درک عمیق رابطه جغرافیا و قدرت می‌داند. برداشت ما از ژئوپلیتیک گامی فراتر می‌رود و مدعی فهم عمیقی از جغرافیا و قدرت است، به گونه‌ای که شما را به انجام دو امر توانمند می‌سازد: اول اینکه این برداشت به شما کمک می‌کند نیروهایی را که به سیاست بین‌الملل شکل خواهند داد، درک کنید و نیز نحوه و چگونگی انجام این کار را بشناسید. دوم اینکه چنین تلقی از ژئوپلیتیک به شما امکان می‌دهد تا آنچه را که حائز اهمیت است از آنچه که اهمیتی ندارد، مورد شناسایی و تمایز قرار دهید. تاکنون از دانش واژه ژئوپلیتیک تعاریف و تفاسیر مختلف علمی و کاربردی گوناگونی به عمل آمده که به نوعی مخرج مشترک همه آن‌ها روابط متقابل جغرافیا (در مقیاس‌های مختلف) و سیاست در قالب مناسبات قدرت است. به عقیده کوهن: ارتباط قدرت سیاسی بین‌المللی با مناسبات جغرافیایی را ژئوپلیتیک می‌گویند (Kohen, 1976). تیلور به روابط میان دولت‌ها تأکید می‌کند و معتقد است که «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به‌ویژه روابط بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (Taylor, 1994: 130). از منظر ژئوپلیتیک، قلمروهای جغرافیایی به فراخور موقعیت و محتوایی که دارند در معنابخشی به الگوهای رفتاری (همکاری، رقابت و ستیز) واحدهای سیاسی نقش‌آفرین بوده و سازنده و هویت‌بخش رویدادهای نواحی مختلف جهان‌اند (زارعی، ۱۳۹۷: ۵۷). لاکوست، ژئوپلیتیک را رقابت قدرت و کشمکش بر سر مسائل مربوط به سرزمین‌ها می‌داند. وی درباره این مفهوم می‌نویسد: «من چیزی را ژئوپلیتیکی می‌نامم که با رقابت و تقابل قدرت بر روی (و برای) سرزمین مرتبط باشد» (لاکوست، ۱۳۹۱: ۴۰)؛ اما این تعریف امروزه در برابر موضوعات و مسائل متعدد و متفاوت و بسیار پیچیده کمی ناقص به نظر می‌رسد، زیرا در عصر حاضر موضوعات،

مسائل و چالش‌های ژئوپلیتیکی فراوانی هستند که می‌تواند الزاماً سرزمین و مسائل مربوط به سرزمین نباشد. امروزه می‌توان بنیاد ژئوپلیتیک را بر سیاست‌های جهانی مربوط به رقابت قدرت‌ها یا مطالعه روابط رقابتی میان قدرت‌ها دانست. عامل رقابت می‌تواند سرزمین و موقعیت سرزمینی تا رقابت بر سر منابع، بازار، محصولات و کالاها، ایدئولوژی و غیره باشد. به زبان دیگر، ژئوپلیتیک عبارت است از: مطالعه رقابت قدرت‌ها برای سلطه بر منطقه یا جهان، براساس امکاناتی که جغرافیا در اختیار هر یک می‌گذارد؛ یا امکاناتی که هر یک از قدرت‌ها در رقابت با دیگری از محیط جغرافیایی دریافت می‌کند. ژئوپلیتیک از رابطه میان سه عنصر اصلی به وجود می‌آید که عبارت است از: «رقابت» که مولد سیاست است، «قدرت» که پدیده‌ای سیاسی است و «جغرافیا» که فضای لازم را در اختیار می‌گذارد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۳). از منظر دادز: «ژئوپلیتیک» رویکرد ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید می‌نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۲). از سوی دیگر، «ژئوپلیتیک» به‌طور گسترده‌ای درباره‌ی روش‌های قرائت و نگارش فضای سیاسی جهان بحث می‌کند. به عبارتی دیگر، «ژئوپلیتیک» درباره‌ی پیش‌فرض‌ها و اسرار جغرافیایی که سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران برای تشخیص اهمیت مکان‌ها در ساخت و مشروعیت بخشی به سیاست‌ها به کار می‌گیرند، بحث می‌نماید (همان). لذا تعریف ژئوپلیتیک تنها به حوزه بین‌المللی و فراکشوری محدود نیست؛ بلکه براساس این تعریف، ژئوپلیتیک موضوع‌های مورد مطالعه خود را نه تنها در حوزه روابط بین‌الملل و در مقیاس کروی، بلکه در قلمروهای ملی، ناحیه‌ای و ... نیز در بر می‌گیرد. در واقع ژئوپلیتیک، تجسم جهان به لحاظ مناطق جغرافیایی، منابع طبیعی و دسترسی به دریاها توسط کشورهایی بود که در رقابت با سایر کشورها برای دستیابی به این مناطق و منابع در تلاش بوده و هستند (Clapsa, 2006). اما با وجود این تنوع در درک، گرایش‌ها و اهداف ژئوپلیتیکی، یک استمرار مهمی نیز در روند تحولی مفهوم ژئوپلیتیک دیده می‌شود: تم‌های پایدار جغرافیایی که از طریق گفتمان ژئوپلیتیکی از مبدأ خود در اروپای رنسانس جریان دارد و جهان را یک نهاد واحد می‌بیند و کشورهای سرزمینی، بازیگران در سیاست‌های جهانی‌اند که به دنبال استراتژی‌های تفوق جهانی هستند (Agnew, 2003). سیاست‌های ژئوپلیتیکی به دنبال ایجاد کنترل ملی یا امپریالیستی بر فضا، منابع، جمعیت و ظرفیت‌های اقتصادی است (Blouet, 2001:7).

۲-۲- پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱ - پیشینه پژوهش (منبع: نویسندگان)

ردیف	نویسندگان	عنوان پژوهش	نتایج
۱	حمید صالحی	پرسش اساسی مقاله حاضر این است که در چارچوب مناسبات راهبردی، عوامل مؤثر بر سیاست خارجی امارات در قبال جمهوری اسلامی ایران، کدامند؟	اختلافات مرزی مانع ارتباط بین دو کشور، تلاش‌های امارات در شورای همکاری خلیج فارس برای محکوم کردن دخالت ایران در کشورهای عربی، لازمه بهبود مناسبات ایران با امارات و اعضای شورای همکاری خلیج فارس، خروج از دوگانه‌های شیعی / سنی و فارس / عرب و گفتگو و تنظیم مناسبات
۲	جاناتان فولتن؛ روی یلنیک	پیامدهای معامله صلح اسرائیل و امارات متحده عربی کدامند؟	رژیم صهیونیستی آشکارا مواضع متزلزل سیاسی و ژئوپلیتیک را از مرزهای سرزمین‌های اشغالی دور کرده است. در ادامه با نفوذ هرچه بیشتر به خلیج فارس از سه فرصت استثنایی دستیابی به آب‌های آزاد جهان، ثروت بی‌شمار اعراب اعم از نفت و گاز و در نهایت پایگاه‌های نظامی آنان علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهد کرد. در واقع خطر مشترک جمهوری اسلامی ایران و شیعیان بستر ساز اصلی این ائتلاف برای امارات و رژیم صهیونیستی است.
۳	فرزاد رستمی؛ علیرضا تارا	مقاله حاضر در پی آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که توافق هسته‌ای ایران و غرب چه تأثیری بر مناسبات و	یافته‌ها نشان داد که با توجه به فضای رئالیستی حاکم بر منطقه غرب آسیا، عربستان و رژیم صهیونیستی، قدرت‌یابی ایران در زمینه هسته‌ای را به زیان خود می‌دانند. از جمله این اقدامات می‌توان به افزایش دیدارهای مقامات دو کشور؛

<p>تلاش برای لغو برجام از طریق لابی‌های خود در آمریکا؛ تقویت توان نظامی خویش؛ تشدید حملات نظامی به سوریه و یمن؛ تلاش برای کمرنگ کردن نقش و حضور ایران در بحران‌های منطقه‌ای؛ تلاش برای همسو کردن دولت ترامپ با خود در رویارویی با ایران؛ بنابراین سران عربستان و رژیم صهیونیستی در پس‌برجام مواضع مشترکی علیه ایران اتخاذ کرده‌اند و همکاری‌های خود را در این زمینه گسترده و علنی کرده‌اند.</p>	<p>تعاملات عربستان سعودی و اسرائیل داشته است؟</p>		
<p>در این مقاله به دلایل ایجاد ارتباط و همچنین با نگاهی منطقه‌ای به پیامدهای آن بر منطقه و همچنین بر خود امارات توجه شده است. نگارنده ترس فزاینده از بقای دولت و رویارویی با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران را نخستین و مهم‌ترین علت برقراری روابط امارات و رژیم صهیونیستی دانسته است.</p>	<p>هدف، بررسی و تجزیه و تحلیل از سرگیری روابط دوباره میان امارات و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس است.</p>	<p>عبدالرضا عالیشاهی یونس فروزان حمید سلیمانی</p>	<p>۴</p>
<p>نگارنده سیاست منطقه‌ای امارات را در زمان‌های مختلف و در سطح مختلف بررسی می‌کند و در قسمتی از کار خود به موضوع صلح با اسرائیل می‌پردازد. همچنین تحول بنیان‌های سیاست منطقه‌ای امارات از زمان روی کار آمدن محمد بن زاید را بیان می‌کند.</p>	<p>پرسش اصلی پژوهش این است که الگوی ذهنی ادراکی محمد بن زاید چه تأثیراتی بر تحول سیاست منطقه‌ای امارات داشته است؟</p>	<p>هادی غلام نیا سعید یرمحمدی</p>	<p>۵</p>

بررسی آثار مربوط به موضوع مقاله، نشان‌دهنده جدید بودن آن است؛ هرچند که برخی منابع به روابط اعراب و اسرائیل اشاره کرده‌اند و از آن‌ها در این بحث استفاده شده است، اما هیچ‌یک از منابع بالا به طور اخص به پیامدهای امنیتی این رابطه بر امنیت منطقه‌ای ایران نپرداخته‌اند.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ جوهری، جزء تحقیقات نظری و توصیفی محسوب می‌شود؛ یعنی در این تحقیق، پژوهشگر به دنبال شناسایی پدیدارها و وقایع و بیان خصوصیات آن‌ها است. بیان مفاهیم، تشریح امنیت منطقه‌ای، تبیین اثرات امنیتی ارتباط امارات متحده عربی و اسرائیل در همین راستا انجام شده است. در این نوع پژوهش، محقق داده‌های مورد نیاز را به روش اینترنتی، کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری کرده است و ابتدا تا انتهای تحقیق بر مبنای شیوه مذکور بوده است. چارچوب نظری پژوهش نیز با اتکا به روش کتابخانه‌ای نگارش شده و نظریه امنیت منطقه‌ای بوزان و ویور حاصل روش یاد شده است. تحقیقات از نظر هدف، به دو دسته بنیادی و کاربردی تقسیم می‌گردند؛ تحقیق حاضر با توجه به اینکه به دنبال رفع نیازمندی‌های بشر است، جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. در این نوع تحقیق، پژوهشگر با بهره‌گیری از دانش و نتایج به دست آمده از پژوهش‌های بنیادی، راهکارهایی به منظور رفع مشکلات و تأمین احتیاجات ارائه می‌دهد.

۴- یافته‌های تحقیق

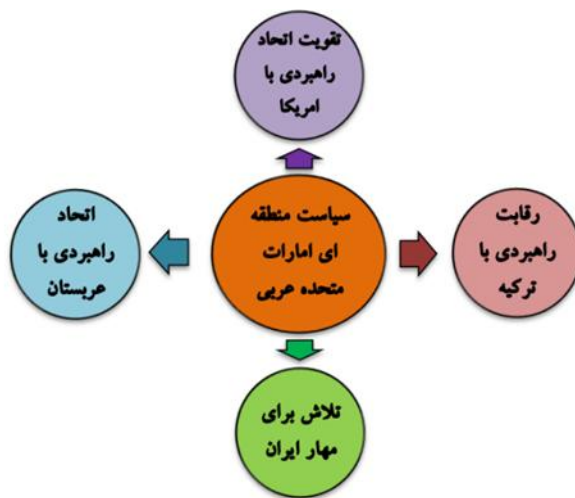
امارات عربی متحده، فدراسیونی متشکل از هفت امیرنشین است که تحت نظارت یک شورای هفت نفره مرکب از امیران هفت امارات ابوظبی، دوی، شارجه، رأس‌الخیمه، فجیره، ام‌القوین و عجمان اداره می‌شود (باقری و اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۶). پایه اقتصاد امارات عربی متحده را عمدتاً نفت و گاز و درآمدهای ناشی از آن تشکیل می‌دهد. امور تجاری و صادرات مجدد نیز یکی از منابع درآمدهای قابل توجه این کشور است که از این جهت در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه، موقعیتی ممتاز و برتر از دیگران دارد. درآمدهای حاصل از نفت و گاز و تجارت باعث شده که این کشور یکی از بالاترین درآمدهای سرانه غرب آسیا و جهان را دارا باشد (باقری و اسلامی، ۱۳۹۳: ۴۸).

عوامل متعددی در سال‌های پس از انقلاب بر روابط ایران و امارات تأثیرگذار بوده‌اند، مانند رقابت‌های ایرانی عربی در عراق جدید؛ اختلافات سرزمینی دو کشور در خلیج فارس (جزایر سه گانه)؛ فعالیت‌های هسته‌ای ایران؛ انقلاب‌های عربی در جهان عرب به‌ویژه بحرین و مناسبات

اقتصادی تهران- ابوظیبی (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۵۱)؛ به‌ویژه آنکه امارات در طی دهه‌های اخیر در عرصه نوسازی و تولید ثروت، گوی سبقت را از دیگر کشورهای منطقه ربوده است.

۴- ۱- سیاست و امنیت منطقه‌ای امارات متحده عربی

امارات از زمان رسیدن محمد بن زاید بر مسند قدرت، درصدد دستیابی به نفوذ منطقه‌ای بیشتری بود و از کنشگران نیابتی خود در یمن، لیبی، مصر، سودان، اریتره و سومالی برای تسلط ژئوپلیتیکی بر این کشورها حمایت همه‌جانبه‌ای را به عمل آورده است. بر این مبنای امارات در مارس ۲۰۱۱ در چارچوب نیروهای سپر جزیره در بحرین مداخله کرد؛ در ژوئیه ۲۰۱۳ از کودتای نظامیان مصر حمایت کرد؛ در سال ۲۰۱۵ در قالب ائتلاف تحت رهبری عربستان در یمن مداخله کرد؛ سیاست تحریم قطر را در ژوئن ۲۰۱۷ در پیش گرفت و اخیراً نیز به‌طور غیرمستقیم به مداخله در بحران لیبی اقدام کرده است. در زیر به‌طور خلاصه برخی از مصداق‌های سیاست امارات اشاره می‌شود (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱- سیاست‌های منطقه‌ای امارات متحده عربی؛ ترسیم از نگارندگان

۱- صالحی، حمید (۱۳۹۰)، مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۰-۲۰۱۱)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار، شماره مسلسل ۵۱.

۴-۱-۱ تقویت اتحاد راهبردی با آمریکا

اتحاد راهبردی با آمریکا به میزان قابل ملاحظه‌ای می‌تواند ضعف مداوم این کشور در برابر قدرت‌های منطقه‌ای همسایه از جمله ایران، ترکیه و حتی عربستان را پوشش دهد. در جولای ۱۹۷۴ ابوظبی توافقنامه امنیتی دوجانبه را با آمریکا منعقد کرد. بر این مبنای آمریکا دسترسی منظم و پایدار به پایگاه‌های هوایی و بنادر امارات را کسب کرد و در عوض به طور تلویحی وعده داد از این امیرنشین در مقابل دشمنان خارجی محافظت کند. پایگاه الظفره به مقری برای عملیات‌های هوایی آمریکا در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است. این پایگاه در کنار پایگاه بندر جبل علی و پایگاه‌های دریایی کوچک در فجیره بیش از پنج هزار نیروی آمریکایی را در خود جای داده اند (غلام‌نیا و محمدی، ۱۳۹۹).

۴-۱-۲ رقابت راهبردی با ترکیه

اختلافات ترکیه و امارات در پرونده‌هایی چون مصر، سوریه، عراق، لیبی، سودان و سومالی و حتی حوزه مدیترانه شرقی به شدت تشدید و تعمیق شده است. محمد بن زاید، مخالف اسلام سیاسی از جمله روایت اخوانی آن بوده و هرگونه فعالیت‌های داخلی و منطقه‌ای در این راستا را مغایر اصول سیاست راهبردی امارات می‌داند. روابط دو کشور در نتیجه ادعای آنکارا مبنی بر دست داشتن امارات در کودتای نافرجام ۲۰۱۱ وارد چالش عمیقی شد. در پی این رویداد، ترکیه محمد دحلان، مشاور امنیتی محمد بن زاید را در فهرست تروریستی خود قرار داد. امارات در حال افزایش نفوذ و ائتلاف‌سازی علیه ترکیه در محدوده بالکان و مدیترانه شرقی است. محمد بن زاید بر این نکته واقف است که روابط سنتی ترکیه با متحدان ناتو، اروپا و آمریکا بر سر مسائلی چون مداخله نظامی در لیبی، پناهندگان سوری و خرید سامانه اس 422 در معرض دگرگونی قرار گرفته است (Dorsey, 2020) (همان: ۴).

۴-۱-۳ اتحاد راهبردی با عربستان

با روی کار آمدن ملک سلمان در ژانویه 2011 روابط دو شیخ‌نشین وارد فاز تازه‌ای شد. انتصاب محمد بن سلمان به عنوان وزیر دفاع (ژانویه ۲۰۱۱) و سپس ولیعهد (از آوریل ۲۰۱۱) نیز نقش مهمی در ارتقای سطح روابط دو کشور داشت. برخی بر این باورند، محمد بن زاید و

العتیبه برای ولیعهدی محمد بن سلمان در واشنگتن لابی کردند (Cobban, 2019). عربستان و امارات قصد داشتند گسترش نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن را متوقف کرده و در صورت امکان آن را موازنه کنند. با این حال، اولویت راهبردی ابوظبی مبارزه با اسلام سیاسی بود؛ در حالی که هدف عربستان بر درگیری و منازعه با ایران متمرکز است (همان: ۴).

۴-۱-۴ تلاش برای مهار ایران

محمد بن زاید، شخصیت تأثیرگذار طرح ایران هراسی در جهان عرب و عامل مهم در خروج دولت ترامپ از برجام، در هماهنگی با محمد بن سلمان و در راستای رویارویی با گسترش نفوذ ایران در شبه جزیره عربستان به ائتلاف تحت رهبری سعودی‌ها در یمن پیوست. براساس آمار، این کشور در سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱ درصد تولید ناخالص ملی خود را صرف خریدها و عملیات نظامی در لیبی و یمن و موازنه‌سازی در مقابل ایران کرده است. یکی از اهداف محوری روابط راهبردی امارات با آمریکا، حذف ایران از روندهای منطقه‌ای و عدم حضور این کشور در معادلات آینده غرب آسیا است.

۲-۴ - مروری بر پیشینه روابط غیر علنی امارات و اسرائیل

برای بررسی این رابطه توجه به پیشینه روابط بین اعراب و اسرائیل به صورت مختصر الزامی است. به طور کلی می‌توان به سه نوع مصالحه در این رابطه قائل بود:

نخست پیمان کمپ دیوید که براساس آن مصر حاکمیت کامل خود بر بخشی از صحرای سینا را از دست داد و متحمل زیان‌های عمده‌ای شد (Thrall, 2017: 66). رهبر جمهوری اسلامی ایران در این باره بیان داشته‌اند: «مصر کشور تأثیرگذاری در دنیای عرب است؛ به همین مناسبت هم بود که آن کسانی که می‌خواستند کشورهای عربی را در مقابل رژیم غاصب صهیونیست به زانو در بیاورند، رفتند سراغ مصر. پیمان ننگین کمپ دیوید را در مصر تحمیل کردند. بعد از قبول پیمان کمپ دیوید در مصر بود که به تدریج کشورهای دیگر عرب هم تسلیم شدند...» (<https://farsi.khamenei.ir>).

اردن دومین کشور عربی بود که با اسرائیل توافق صلح امضا کرد. نام این توافق‌نامه (وادی عربیه) نام مکانی است که در آنجا امضا شد. وادی عربیه در مرزهای اردن و اسرائیل است. این

توافق ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ با حضور اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل و عبدالسلام المجالی، نخست‌وزیر وقت اردن امضا شد. همچنین این توافق در حضور حسین بن طلال، پادشاه وقت اردن در حالی که با عایزر وایزمن، رئیس اسرائیل دست می‌داد و با نظارت بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا امضا شد (زالی و غلامی، ۱۳۹۹).

سومین مورد هم بعد از اینکه اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) یکدیگر را به رسمیت شناختند و مذاکراتی در شهر اسلو برگزار شد، این توافق‌نامه امضا شد؛ هرچند که مراسم امضای آن در کاخ سفید و با نظارت بیل کلینتون بود، اما به اسلو نام‌گذاری شد. ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ توافق بیانیه اصول فلسطین و اسرائیل با حضور محمود عباس، رئیس‌کنونی تشکیلات خودگردان فلسطین و شیمون پرز، وزیر خارجه وقت اسرائیل و با حضور یاسر عرفات، اسحاق رابین و کلینتون امضا شد (همان).

این بیانیه از ۱۷ ماده و چهار پیوست تشکیل می‌شود و هدف از آن این بود که مذاکرات به تشکیل قدرت انتقالی در کرانه باختری و نوار غزه برای دوره‌ای پنج ساله و حل و فصل دائمی منجر شود (همان).

اما موضوع بعدی مذاکرات اعراب و اسرائیل به مسئله فلسطین مربوط است که همواره با نزاع و جنگ همراه بوده و در عمل بدون هیچ دستاوردی برای فلسطین، کماکان ادامه دارد. نکته مهم در این میان، تبیین این مسئله است که اسرائیلی‌ها در عمل نشان دادند به هیچ‌گونه قراردادی متعهد نیستند و این مسئله را از کمپ دیوید گرفته تا قراردادهای صلحی که با فلسطینیان منعقد کرده‌اند، به خوبی نشان داده‌اند.

امارات متحده عربی نیز به تاسی از مصر و بعدها عربستان همواره خود را به مسئله فلسطین و دشمنی با اسرائیل متعهد می‌دانست. این مسئله در ابتدای سال ۱۹۷۱ میلادی هنگامی که نخستین پادشاهی امارات، شیخ زاید بن سلطان آل نهیان از اسرائیل به مثابه دشمن بزرگ یاد کرده بود، قابل اثبات است؛ اما سه رویداد مهم موجب شد تا بحث از سرگیری روابط امارات با اسرائیل بر سر زبان‌ها افتد:

نخست، مجموعه سیاست‌های شکست‌خورده امارات در جریانات منتهی به بیداری اسلامی و عدم موفقیت در تغییر رژیم به‌ویژه در عراق و سوریه؛ دوم، شکست امارات در سیاست‌های

منتهی به جنگ در یمن و لیبی و نیز تحریم قطر؛ سوم ناکامی شیوخ امارات در جریانات منتهی به طرح‌های سقوط دولت‌های بشار اسد و عراق به دست تکفیری‌های داعش و نفوذ گسترده ایدئولوژیکی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در عراق، سوریه و یمن و احساس خطر فزاینده اماراتی‌ها از این مسئله (Alishahi; Soleimani & Aghamolaei, 2020: 56 – 58). همچنین شواهدی وجود دارد که مبین رابطه امارات متحده عربی و اسرائیل در سال‌های قبل است. برای مثال، این نکته بوسیله روزنامه بوابه القاهره اظهار شده است^۱ (<https://www.tasnimnews.com>).

به طور کلی می‌توان سه عامل کلان را بسترساز اصلی تنش‌زدایی تا برقراری روابط رسمی سیاسی میان امارات و اسرائیل برشمرد: نخست، امارات هرگز در ائتلاف اعراب علیه اسرائیل شرکت نکرد؛ دوم، گذشته از تهدیدات فزاینده جمهوری اسلامی ایران، روابط رسمی امارات و اسرائیل، می‌تواند بلندپروازی‌های ترکیه را تا حد زیادی در منطقه کنترل نماید؛ سوم، حضور یک قدرت نظامی و امنیتی منطقه‌ای مانند اسرائیل (به‌جز آمریکا) در منطقه راهبردی تنگه هرمز می‌تواند به بازیگری امارات کمک کند.

۱- ابراهیم یسری (سفیر سابق مصر) گفت اسناد ویکی‌لیکس فاش کردند رابطه شخصی محکمی بین عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات و «تسیبی لیونی» وزیر خارجه سابق اسرائیل وجود دارد. بر اساس این گزارش، دیداری سرّی بین دو طرف با حضور شیمون پرز (رئیس جمهور سابق اسرائیل) برگزار شده است. یسری در گفتگو با شبکه الشروق مصر گفت: افتتاح دفتر اسرائیل در امارات و استقبال امارات از این عمل تاجی بر سر روابط سرّی بین ابوظبی و تل‌آویو است که برخی اجزای آن از طریق رسانه فاش شده است و بسیاری از جوانب آن همچنان ناشناس باقی مانده است. وی افزود حاکمان امارات، اسرائیل را دشمن خود به حساب نمی‌آورند و در هر زمانی از آن‌ها در امارات استقبال خواهد شد. یسری تأکید کرد عادی‌سازی روابط بین دو طرف اماراتی و صهیونیستی از چند سال پیش آغاز شده است، در سال ۲۰۰۹ به یک بازیکن تنیس اسرائیلی اجازه داده شد تا در مسابقات ابوظبی شرکت کند و پرچم رژیم صهیونیستی برای اولین بار در نشست آژانس انرژی‌های تجدیدپذیر در حضور مسئولان صهیونیستی برافراشته شد. وی افزود در دسامبر سال ۲۰۱۰ امارات از یک گروه توریستی صهیونیستی میزبانی کرد. در ژانویه سال ۲۰۱۴ وزیر انرژی اسرائیل «سیلفان شالوم» از امارات دیدن کرد و در دسامبر همین سال یک خط هوایی سرّی ویژه بین امارات و اسرائیل باز شد و امارات با یک شرکت صهیونیستی برای نظارت قرارداد بست.

۴-۳- ابعاد گوناگون توافق امارات و اسرائیل

توافقنامه امارات - اسرائیل از جهات گوناگون دارای اهمیت است. به‌عنوان مثال: زمان توافقنامه، تغییر در چارچوب ساختاری صلح در برابر اسرائیل؛ تصویرسازی پیروزی بعد از شکست؛ تغییر افکار عمومی جهان عرب بعد از انفجار بیروت؛ نزدیکی به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا. در زیر، به اختصار به هریک اشاره می‌شود.

۱- **زمان انعقاد توافق نامه:** برخلاف پیمان صلح مصر و اسرائیل که از روی «استیصال و ناامیدی» در شرایطی منعقد شد که کشورهای عربی در چهار جنگ متوالی از این رژیم شکست خورده بودند و امیدی به تضعیف اسرائیل نداشتند؛ امارات در زمانی با اسرائیل توافق صلح امضا کرد و در جهت ایجاد روابط رسمی دیپلماتیک گام برداشت که نه تنها «شکست‌پذیری» ارتش اسرائیل، بلکه آسیب‌ها و ضعف‌های متعدد آن ثابت شده است. اثبات این موضوع نه از سوی ارتش کشورهای عربی، بلکه از سوی گروه‌های مقاومت لبنان و فلسطین انجام شده است (عمادی، ۱۳۹۹). بعد دیگر اهمیت زمانی توافق ابوظبی و تل‌آویو، مربوط به شرایط شکننده داخلی سرزمین‌های اشغالی است. اسرائیل در بدترین دوران ۷۲ ساله خود قرار داشته است. به‌طوری که طی یک سال، برگزاری سه انتخابات پارلمانی نهایتاً به تشکیل کابینه شکننده ائتلافی منجر شد و تنها پس از گذشت ۴ ماه، به دلیل شدت اختلاف‌ها در درون کابینه نتانیاهاو، زمزمه‌های فروپاشی کابینه و برگزاری انتخابات چهارم پارلمانی نیز افزایش یافت. علاوه بر این، تظاهرات مردم در اعتراض به مشکلات اقتصادی و ناکامی کابینه نتانیاهاو در مقابله با شیوع کرونا نیز زمینه‌های برگزاری تظاهرات ضد کابینه و شخص نتانیاهاو را فراهم کرد. به‌طوری که برکناری نتانیاهاو از نخست‌وزیری را خواستار شدند.

۲- **تغییر در چارچوب ساختاری صلح در برابر اسرائیل:** یکی از جنبه‌های مهم توافق این است که مبنای صلح کشورهای عربی با اسرائیل را تغییر داد. تاکنون برخی کشورهای عربی بر مبنای «زمین در برابر صلح» با اسرائیل توافق صلح را امضا کرده بودند، اما امارات معادله «صلح در برابر صلح» را جایگزین «زمین در برابر صلح» کرد (همان).

۳- **تصویرسازی پیروزی بعد از شکست:** اهمیت دیگر این توافق به انعقاد آن در روز

۱۳ اوت که «روز مقاومت اسلامی» نام دارد، بازمی‌گردد؛ یعنی سالروز پیروزی مقاومت بر اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ که نه تنها افسانه شکست‌ناپذیری این رژیم را از بین برد، بلکه ژئوپلیتیک قدرت در منطقه غرب آسیا را نیز تغییر داد و محور مقاومت را به یکی از بازیگران تأثیرگذار و سازنده در منطقه تبدیل کرد. بر این اساس، اعلام توافق رسمی امارات با اسرائیل در روز ۱۳ اوت، اقدامی هدفمند و برنامه‌ریزی شده محسوب می‌شود (همان).

۴- تغییر افکار عمومی جهان عرب بعد از انفجار بیروت: این توافق زمانی رسمی شد که کمتر از ۱۰ روز از انفجار مهیب بیروت می‌گذشت و امکان اینکه چنین انفجاری با مداخله اسرائیل انجام شده باشد، وجود داشت. از سوی دیگر، در حالی که افکار عمومی نه تنها در لبنان، بلکه در دیگر کشورهای عربی نیز به لحاظ روانی از انفجار مهیب بیروت تأثیر زیادی پذیرفته و «موشه فیلین»، نماینده سابق کنست و رهبر حزب ملی گرا از وقوع انفجار مهیب در بیروت ابراز خرسندی کرده و آن را «نمایش آتش‌بازی دیدنی» توصیف کرد، کشور امارات به‌عنوان یک کشور عربی با اعلام توافق برای رسمی کردن روابط با اسرائیل، شوکی به افکار عمومی در جهان عرب وارد کرد (همان).

۵- نزدیکی به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا: در زمان انجام توافق، دونالد ترامپ (رئیس جمهور پیشین آمریکا) به دلیل ناکامی در مقابله با شیوع کرونا در آمریکا و تأثیر آن بر اقتصاد این کشور، نه تنها از پیروزی در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ اطمینان نداشته است، بلکه اغلب نظرسنجی‌ها حاکی از شکست ترامپ در مقابل جو بایدن بوده است؛ بنابراین، توافق امارات با اسرائیل کارت مهمی برای ترامپ در انتخابات پیش رو به‌شمار می‌رفته است. از این رو، به نظر می‌رسد رونمایی از این توافق در این بازه زمانی به‌صورت هدفمند انجام شده است، چرا که در صورت شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، امکان چنین توافقی نیز کاهش پیدا می‌کرد (همان: ۹).

۴-۵- پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم برقراری روابط امارات و اسرائیل بر امنیت جمهوری اسلامی

پیامدهای برقراری روابط امارات و اسرائیل که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر امنیت

جمهوری اسلامی تأثیرگذار است به اشکال گوناگون قابل مطالعه است. اگر امنیت در پیروی از رویکرد «باری بوزان» در پنج مقوله نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی قابل بررسی باشد، به نظر می‌رسد برقراری روابط امارات و اسرائیل بیشتر در دو بخش سیاسی و نظامی تأثیرگذار است.

۵-۴-۱ عادی‌شدن تدریجی روابط سیاسی اعراب غرب آسیا با اسرائیل

نخستین پیامد منفی صلح امارات با تل‌آویو، تسریع دومینوی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل است. به‌عنوان مثال، دونالد ترامپ^۱، پیش از مراسم امضای توافق صلح بین بحرین و امارات با اسرائیل در کاخ سفید در دیدار با بنیامین نتانیاهو ادعا کرد که ۵ یا ۶ کشور دیگر به توافق صلح با اسرائیل پیوندند. جو بایدن^۲ نیز در پیامی این توافق را «گامی تاریخی» و تصمیم امارات برای به رسمیت شناختن اسرائیل را، «اقدامی شجاعانه» دانست. در همین راستا، بحرین نیز به عنوان دومین کشور عربی به ایجاد ارتباط با اسرائیل پرداخت. همچنین کشورهای عمان، سودان و عربستان سعودی گزینه‌های احتمالی برای اعلام عادی‌سازی روابط و امضای توافق صلح با اسرائیل هستند. به‌طوری که نه تنها توافق صلح بحرین با استقبال گرم عمان روبه‌رو شد؛ بلکه با چراغ سبز عربستان و رضایت کامل این کشور حاصل شده است. در حقیقت به دلیل وابستگی ذاتی، بدون مشورت سران منامه با آل‌سعود و تأیید ریاض که نفوذ زیادی بر بحرین دارد، توافق منامه و اسرائیل میسر نمی‌شد. اقدامات بحرین در عرصه سیاست خارجی که با تبعیت از ریاض همراه بوده است، مؤید این امر می‌باشد که عربستان نه تنها حامی سرسخت عادی‌سازی روابط با اسرائیل است، بلکه در حال مقدمه‌سازی برای آن نیز می‌باشد. مواضع و کنش‌های عربستان سعودی طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد ریاض روابط نزدیکی با تل‌آویو برقرار کرده، اما با در نظر گرفتن تبعات آشکارسازی این روابط، تاکنون از این امر بر حذر بوده است. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی با ترغیب و تشویق کشورهای عربی به عادی‌سازی روابط، می‌کوشد هزینه‌های امضای توافق سازش

۱- ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با اعلام این معامله، در توئیتر خود نوشت: "موفقیت بزرگ امروز، توافق‌نامه صلح تاریخی بین دو دوست بزرگ ما، اسرائیل و امارات متحده عربی! اکنون که یخ شکسته شده است، انتظار دارم که کشورهای عربی و مسلمان بیشتری راه امارات متحده عربی را دنبال کنند."

۲- رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده

با اسرائیل را برای خود کاهش داده و از آن به عنوان تضمین برای رسیدن به پادشاهی عربستان استفاده کند (<https://iiwfs.com>).

۴-۲-۵ تضعیف ایدئولوژی ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی ایران

ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران در مورد موجودیت اسرائیل و درگیری‌ها در فلسطین اشغالی برای این کشور یک مسأله اسلامی مهم محسوب می‌شود. در مقابل آن، مطرح شدن اسرائیل در افکار عمومی منطقه به عنوان شریک سیاسی، اقتصادی و راهبردی کشورهای اسلامی خلیج فارس می‌تواند باعث مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های تل‌آویو شده و ایدئولوژی ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی را تضعیف کند. در همین راستا، این احتمال وجود دارد که عادی‌سازی روابط با اسرائیل و خارج شدن آن از حالت تابو به انزوای نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حتی در جامعه بین‌المللی منجر شود.

۴-۳-۵ رصد اطلاعاتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران

تبدیل شدن امارات متحده عربی به پایگاه رسمی عملیات موساد و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، نه تنها تحول بزرگی در روند اقدامات جاسوسی - امنیتی و تخریبی اسرائیل در منطقه به وجود خواهد آورد؛ بلکه دامنه اقدامات تخریبی آن را در شعاع قابل توجه کشورهای پیرامونی امارات، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران در بر خواهد گرفت. شفاف‌ترین توضیح در رابطه با اهداف تل‌آویو برای توافق با امارات در روزنامه عبری زبان «یعودت احارانتوت» منتشر شد^۱ که تأکید کرد این توافق برای تل‌آویو امکان مراقبت و نظارت بیشتر بر ایران را فراهم می‌کند (ابوطالبی، ۱۳۹۹).

پیامد مهم دیگر، استفاده اسرائیل از پایگاه‌های نظامی و راهبردی امارات است. این مسأله هم در بُعد رصد اطلاعاتی و نظامی و هم در بُعد استقرار پایگاه‌های نظامی اسرائیل در امارات بسیار حائز اهمیت است. به عنوان مثال، پایگاه هوایی الظفره ۱ در ابوظبی که هم اکنون بخشی از آن در اختیار نیروهای هوایی آمریکا و فرانسه قرار دارد، می‌تواند کانون مهمی برای اسرائیل تلقی شود؛ به‌ویژه اینکه فاصله سه پایگاه مهم نظامی اماراتی‌ها از مرزهای جمهوری اسلامی ایران

۱- الکس فیلمن تحلیل گر ارشد این روزنامه مقاله‌ای هم‌زمان با اعلام این سازش منتشر کرد.

کمتر از ۳۵۱ کیلومتر است و این مسأله فرصت استراتژیکی بسیار مناسبی برای اسرائیل خواهد بود.

جدول شماره ۲ - پایگاه‌های آمریکا در امارات متحده عربی (علیشاهی و همکاران، ۱۳۹۹)

شماره	نام پایگاه	ویژگی‌های پایگاه و فاصله آن تا مرزهای ایران
۱	پایگاه هوایی الظفره	این پایگاه از سوی آمریکا برای آموزش کارکنان کشورهای مختلف در زمینه‌های جنگی و مأموریت‌های قابل تعامل استفاده می‌شود. این پایگاه در شهر ابوظبی قرار دارد. ۳۳۴ کیلومتر
۲	جبل علی امارات	بندر جبل علی امارات که در دبی بنا شده است، امکان حمل هواپیماهای آمریکایی را دارد. ۲۵۶ کیلومتر

۴-۴-۵ تأثیر بر موازنه قوا در منطقه ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا

انعقاد این توافقنامه، موجب تقویت بحران ژئوپلیتیک در ضلع جنوبی خلیج فارس در همسایگی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. برقراری روابط رسمی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با اسرائیل به معنای نزدیکی تل‌آویو به مرزهای جنوبی ایران است. به بیان دیگر، گشایش سفارت و کنسولگری‌های اسرائیل در امارات موجب نفوذ بیشتر تل‌آویو در کشورهای همسایه ایران خواهد شد؛ از قبیل توسعه همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه در زمینه انرژی و حمل‌ونقل آن که به نوبه خود مهم‌ترین منافع اسرائیل نیز خواهد بود.

هدف مهم اسرائیل، تحقق هرچه سریعتر خط لوله ایلات اشکلون است که پیش از انقلاب اسلامی ایران میان شاه و اسرائیل منعقد شد. یکی از مزایای این خط لوله، امکانات اسکله‌ای اشکلون و ایلات در مقایسه با کانال سوئز است که می‌تواند سوپرنفتکش‌ها را در خود جای دهد. به‌عنوان مثال، نفتکش «VLCC» یکی از بزرگ‌ترین نفت‌کش‌های جهان است که قادر است تنها در یک نوبت دو میلیون بشکه نفت را جابه‌جا کند، ولی در کانال سوئز جا نمی‌شود؛ در حالی که با تحقق خط لوله ایلات اشکلون به راحتی می‌تواند اسرائیل را کانون مهمی برای حمل‌ونقل انرژی در منطقه مبدل کند. همچنین، شرکت خط لوله اروپا آسیا، مالک خط لوله ۱۵۱ مایلی از دریای مدیترانه تا دریای سرخ است که می‌تواند برای دور زدن تنگه سوئز مورد استفاده قرار گیرد و جایگزین ارزان‌تری برای محموله‌های نفتی باشد (علیشاهی و همکاران، ۱۳۹۹).



نقشه ۱- انتقال نفت و گاز امارات به مناطق اشغالی از طریق خط لوله ایلات اشکلون

۵- بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

در این مقاله مشخص شد که ایران نقطه مشترک تقابل میان هر دو طرف یعنی امارات متحده عربی و اسرائیل است. سیاست منطقه‌ای امارات هم نشان‌دهنده راهبردهای ضد ایرانی است. از طرفی اسرائیل هم سال‌ها است که هیچ‌گونه ارتباط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران نداشته است و از هیچ تلاشی هم برای جلوگیری از نفوذ ایران دریغ ننموده است.

اختلاف سرزمینی ایران و امارات عربی متحده بر سر جزایر ایرانی خلیج فارس، با گذشت نزدیک به ۴۰ سال از توافق دو کشور در چارچوب موافقت‌نامه ۱۹۷۱، همچنان به عنوان یکی از موانع اصلی بهبود روابط ایران با امارات متحده عربی به شمار می‌آید؛ رابطه امارات با اسرائیل نیز به عنوان چالشی جدید به این تنش در روابط دو کشور اضافه شده است. این موضوع با واکنش سریع و تند مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. رهبر انقلاب اسلامی این رابطه را خیانت در حق دنیای اسلام، ملت‌های عرب و کشورهای منطقه توصیف کردند.^۱ آنچه از پژوهش حاضر بر می‌آید این است که پیامدهای امنیتی مذکور نه تنها برای جمهوری اسلامی ایران بلکه برای خود امارات متحده عربی هم دردسر خواهد شد و دامنه این ناامنی بر کشورهای منطقه تأثیر خواهد

۱- امارت متحده عربی هم به دنیای اسلام خیانت کرد، هم به ملت‌های عرب و کشورهای منطقه خیانت کرد و هم به فلسطین خیانت کرد. البته این خیانت دیر نخواهد پایید، اما این لکه ننگ بر آن‌ها خواهد ماند. امیدوارم اماراتی‌ها زود بیدار شوند و کاری که کرده‌اند را جبران کنند (۱۳۹۹/۶/۱۱).

گذاشت؛ اما به طور واضح نزدیکی این رژیم با مرزهای جمهوری اسلامی ایران و حضور جمعیت ایرانیان مستقر در امارات و دستگاه جاسوسی قوی اسرائیل، ناامنی بیشتری متوجه درون و پیرامون جمهوری اسلامی ایران خواهد شد که دست‌اندرکاران امنیتی می‌بایست متوجه سیاست مذکور باشند. از این رو، نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران باید برنامه و اداره ویژه‌ای برای مهار ناامنی‌سازی این رژیم در دستور کار خود قرار دهند. از این پس، رژیم اسرائیل با لابی خود در منطقه بر دشمنی بین کشورهای عرب حوزة خلیج فارس خواهد افزود. از سوی دیگر با تجهیز سخت و نرم‌افزاری دفاعی امارات متحده عربی و سایر کشورهایی که روابط خود را با این کشور برقرار خواهند کرد، زمینه‌ساز افزایش ناامنی و هزینه‌های امنیتی کشور خواهد شد. از این پس، بخشی از خریدهای امنیتی - دفاعی برخی از کشورهای جنوبی خلیج فارس به‌ویژه امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی از رژیم اسرائیل خواهد بود. قطعاً همکاری غرب، آمریکا و اروپا با رژیم اسرائیل در منطقه خلیج فارس بر علیه ایران افزایش خواهد یافت و این تقابل به آب‌های خلیج فارس نیز کشیده خواهد شد. خلیج فارس که به عنوان فضای حیاتی و امنیتی ایران شناخته می‌شود، در آینده با چالش‌های بیشتری در جنوب خلیج فارس مواجه می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران نیز در بازتعریف امنیت منطقه‌ای و ملی خود باید برنامه‌های این رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج فارس را با دقت علمی و امنیتی بیشتری رصد نماید و در برابر برنامه‌های امنیتی این کشور برنامه‌ریزی و اقدام به موقع را در دستور کار خود قرار دهد.

۵-۳- پیشنهادها

- جمهوری اسلامی ایران برای اینکه سایر کشورهای جنوبی حوزة خلیج فارس به دامن اسرائیل پناه نبرند و امنیت ملی ایران را به مخاطره نیاندازند، باید روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را با این کشورها افزایش داده و اختلافات سیاسی با این کشورها را کاهش و آسیب‌های روابط با اسرائیل را با دولت‌مردان خلیج فارس بیشتر متذکر گردد. عمان، قطر و کویت سه کشوری هستند که ظرفیت و امکان افزایش روابط و کاهش چالش‌های بین ایران و آنها به‌ویژه کویت در این خصوص وجود دارد.

- استفاده از ظرفیت‌های قدرت نرم رسانه‌ای و فرهنگی در منطقه خلیج فارس و کشورهای جنوبی این حوزة تحت عنوان دیپلماسی عمومی و جهت‌دادن افکار عمومی جوامع این کشورها به منظور فشار وارد کردن به دولت‌مردان و ایجاد فاصله بین این کشورها و رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌تواند اهداف امنیتی و قدرت نرم جمهوری اسلامی را بهتر محقق سازد.

۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

- ۱- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹). امنیت؛ ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در روایات، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره دوم، ص ۳۷.
- ۲- احمدی، سید عباس؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ بدیعی ازندهی، مرجان؛ حیدری موصولو، طهمورث (۱۳۹۷). تبیین نظری بسترهای شکل‌گیری رقابت‌های ژئوپلیتیکی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۱، ص ۲۱۶-۱۹۹.
- ۳- باقری، حسین؛ اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۳). توانمندی نظامی امارات عربی متحده و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)، سال ۱۳، شماره ۷۷، زمستان، صص ۷۲-۳۳.
- ۴- پورطالب، روح‌الله (۱۳۹۱). نقش بازیگران در امنیت خلیج فارس و مرزهای جزایر سه گانه ایران با امارات متحده عربی. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها.
- ۵- جاوید، منتظران؛ تاج‌آبادی، حسین (۱۳۹۵). بررسی اهداف و اصول امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قدرت نرم، شماره چهاردهم.
- ۶- خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۷۸). نقش امنیت در تحقق قانون‌گرایی در جامعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۴ - ۱۴۳. مرداد و شهریور، ص ۹۶.
- ۷- زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی (۱۳۹۳). موقعیت راهبردی ژئواکونومیک خلیج فارس و رقابت قدرت‌ها در قرن بیست و یکم. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۴۶ (۲): ۳۳۶-۳۱۱.
- ۸- سلیمانپور، هادی (۱۳۹۵). چین در میانه دو قاره. فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره ۸.

- ۹- سریع القلم، محمود (۱۳۹۰). مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۱.
- ۱۰- صالحی، حمید (۱۳۹۰). مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱-۲۰۰۰)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار، شماره مسلسل ۵۱
- ۱۱- عالیشاهی، عبدالرضا، فروزان، یونس، سلیمانی سوچلمائی، حمید. (۱۳۹۹). تاثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۳(۴۹)، ۱۴۷-۱۶۹.
- ۱۲- غلام نیا، هادی، پیرمحمدی، سعید. (۱۳۹۹). تحول در سیاست منطقه‌ای امارات متحده عربی؛ رهیافت محمد بن زاید. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۳(۴۹)، ۱۱۵-۱۴۵.
- ۱۳- احمدی، سید عباس (۱۳۹۹). هیدروپلیتیک آب‌های افغانستان در رابطه با همسایگان، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- ۱۴- پاک‌نژاد متکی، حمیدرضا؛ فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۸۹). هیدروپلیتیک رودخانه مرزی ارس و تأثیر آن بر امنیت استان اردبیل، فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال هفتم، شماره ۲۸.
- ۱۵- ذکی، یاشار؛ دلشادزاد، جلیل؛ کریمی، بایرام (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل هیدروپلیتیک رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر رودخانه‌های مرزی، سال اول، شماره اول.
- ۱۶- سامعی، سمیرا؛ اخباری، محمدرضا؛ حیدری، غلامحسین (۱۳۹۹). همکاری منطقه‌ای ایران و همسایگان غربی بر مبنای دیپلماسی ایران، سال ۱۰، شماره ۳.
- ۱۷- رستمی، فرزاد؛ نادری، مسعود (۱۳۹۲). بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۱۵.
- ۱۸- شیرازی، ابوالحسن؛ سویلی، مرتضی (۱۳۹۸). دیپلماسی هیدروپلیتیک و فرصت‌های نوظهور در منطقه غرب آسیا، فصلنامه مطالعات جنوب غرب آسیا، سال دوم، شماره ۷.
- ۱۹- عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۳). دیپلماسی آب از منازعه تا همکاری، فصلنامه سیاست جهان، دوره ۳، شماره ۱۰.

- ۲۰- عسکری، محمود (۱۳۸۹). نسبت نوین بین منابع آبی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲، سال سوم.
- ۲۱- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۵). چالش‌های هیدروپلیتیک و امنیتی شدن آب در ایران، فصلنامه دیدبان امنیت ملی، شماره ۵۶.
- ۲۲- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۷). تحلیل، جلوگیری از چپاول میراث آیندگان از طریق ملی کردن سفره‌های آب زیرزمینی، مجله دیدبان امنیت ملی.
- ۲۳- کامران، حسن؛ یاری، احسان؛ عابدی، مرضیه (۱۳۹۶). امنیت زیست محیطی و امنیت ملی ایران در بستر تحولات هیدروپلیتیک مرزی، فصلنامه جغرافیایی انجمن جغرافیایی ایران، سال پانزدهم، شماره ۵۲.
- ۲۴- گزارش منابع آب وزارت نیرو، ۱۳۹۸-۱۳۹۶.
- ۲۵- مجتهدزاده، پیروز؛ حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران، فصلنامه مدرس
- ۲۶- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸-۱۳۹۶)، جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۷- نامی، محمد حسن؛ خمیری، منصور؛ معموری، ابراهیم (۱۳۹۹). شناسایی شاخص‌های مؤثر بر مناسبات هیدروپلیتیک ایران و ترکمنستان، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۱۸، شماره ۸۱
- ۲۸- واثق، محمود؛ نجفی، سجاد (۱۳۹۸). شناسایی عوامل کلیدی تأثیرگذار در آینده هیدروپلیتیک اروندرود، دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال چهارم، شماره ۲۰.
- ۲۹- ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳). گفتمان‌های امنیت ملی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۰- مشیرزاده، ح.، و مصباح، ا. (۱۳۹۰). موضوع اسراییل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. روابط خارجی، ۳(۹)، ۲۴۵-۲۷۰.
- ۳۱- نوروزی خیابانی، مهدی. (۱۳۷۴). فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.

- ۳۲- چگنیزاده، غلامعلی. (۱۳۷۹). (رویکردی نظری به مفهوم امنیت ملی در جهان سوم. مجله سیاست خارجی، شماره ۱، صص ۶۵-۹۱)
- ۳۳- بالدوین، دیوید، «بررسیهای امنیت و پایان جنگ سرد»، در: ارزیابیهای انتقادی در زمینه امنیت بینالملل، ترجمه و گردآوری علیرضا طیب، تهران: نشرنی، ۱۳۸۰، صص ۱۵۳-۱۵۲
- ۳۴- مورگان، پاتریک (۱۳۸۰)، (نظمهای منطقه‌ای امنیتسازی در جهان نوین، ترجمه سیدجلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۵- حافظ نیا محمد رضا (۱۳۸۳)، (ژئوپلیتیک یک بررسی فلسفی، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۴. شماره ۷۵، زمستان

کتاب‌ها

- ۳۶- آرلیتل، اردی مکین لای (۱۳۸۱). امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها؛ ترجمه اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۷- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی شده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۸- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۹- لاکوست، ایو (۱۳۶۸). مسائل ژئوپلیتیک اسلام، دریا، آفریقا، ترجمه عباس آگاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۰- نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۷۴). فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- ۴۱- زارعی، بهادر (۱۳۹۷). مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴۲- شاهنده، بهزاد (۱۳۷۴). سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی، تهران: انتشارات سمت.
- ۴۳- لاکوست، ایو (۱۳۹۱). از ژئوپلیتیک تا چشم‌انداز؛ ترجمه سیروس سهامی. تهران: پژوهشکده امیر کبیر.

۴۴- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.

۴۵- تهامی، سید ابراهیم (۱۳۸۴). امنیت ملی، تهران: انتشارات دافوس.

۴۶- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۷). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: پژوهشکده امیرکبیر.

۴۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). فرهنگ لغات دهخدا، تهران: مؤسسه دهخدا.

۴۸- زارعی، بهادر (۱۳۹۵). مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴۹- زارعی، بهادر (۱۳۹۱). بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی با تأکید بر اسلام و ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵۰- عامری، هوشنگ (۱۳۸۷). اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات آگه.

۵۱- فولر، گراهام (۱۳۹۶). قله عالم؛ ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات مرکز.

۵۲- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، انتشارات جهاد دانشگاهی.

۵۳- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۴). جغرافیا نخست در خدمت صلح. تهران: انتشارات انتخاب.

۵۴- مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۹۴). جغرافیای اقتصادی ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

منابع اینترنتی

۵۵- مقام معظم رهبری (۱۳۹۰). بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله). <https://farsi.khamenei.ir/>

۵۶- مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام (۱۳۹۹). عادی‌سازی روابط بحرین و اسرائیل؛ دلایل و پیامدها <https://iiwfs.com/>

۵۷- ۲. زالی و غلامی (۱۳۹۹). مهم‌ترین توافقات و طرح‌های صلح میان کشورهای عربی و اسرائیل. خبرگزاری ایسنا.

۵۸- <https://www.isna.ir/news/99052417498>

۵۹- ۳. عمادی، س. (۱۳۹۹). مرداد. توافق صلح امارات و رژیم صهیونیستی: اهمیت، اهداف و پیامدها

۶۰- <http://tabyincenter.ir/3814>

۶۱-۴. ابوظالبی، ف. (۱۳۹۹، شهریور). پیامدهای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی منطقه بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران.
۶۲- <https://www.isna.ir/news/99063023013/>

۶-۲- منابع لاتین

Articles

- 63- Agnew, john (1998). Geopolitics, Encyclopedia Encarta, C. D.
- 64- Cohen, saul. B (1994). Geopolitics in the new world era. Chapter 2 from reordring the world, edited by: george j. demko and william b. wood. Usa: westview press.
- 65- Hafeznia, Mohammad Reza (2006). Principles and Concepts of Geopolitics, Mashhad: Papoli Publications. [In Persian]
- 66- Alishahi, Abdolreza; Soleimani, Hamid. (2020). The Challenge of Ansarullah's Increasing Power, and Donald Trump's Policies against Yemen, Journal of Economics, Politics and Regional Development, 1(1): 1-16.
- 67- Agnew John (2003), Geopolitics: Re-visioning World Politics, second ed, London: Routledge
- 68- Brzezinski, Zbigniew. 2012. Strategic Vision: American and the Crisis of Global. Published January 24th 2012 by Basic Books.
- 69- Brzezinski. Zbigniew and Mearsheimer John J, 2005. CLASH OF THE TITANS - Rising Powers Initiative. Foreign Policy; Jan/Feb 2005; 146; ABI/INFORM Global pg. 46.
- 70- Blouet Brian, (2001), Geopolitics and Globalization in the Twentieth Century, London: Reaktion Books.
- 71- Caustellse, manuel. 1990. The rise of the Network society (The Power of Identity). Publisher Blackwell ltd. Oxford.
- 72- Casarini, Fareed. 2008. The post-American word. New York: Norton compony.
- 73- Clapsa, k. 2006. Man, The State, and War. New York: Columbia University Press.
- 74- underwriting elements of smart power. namely robust diplomacy and development and the strongest military in the world. Speech delivered at the Economic Club of New York, October 14, 2011.

- 75- Cohen S, B, (1971), Geography and Politics in a world Divided, New York:Oxford uni press.
- 76- Cohen S,B, (1994),Geopolitics in new world Era, USA:west view press.
- 77- Dadds, klouse(2000), Geopolitical Traditions, A century of Geopolitical thought, Routledge Publication
- 78- Er, lam Peng and Wei, lim tal. 2009. The rise of China and India: A new Asian Drama, London, World Scientific Group.
- 79- Friedman George and Jacob L. Shapiro, (Jan. 23, 2017), The Geopolitics of 2017 in 4 Maps, (https://geopoliticalfutures.com/wpcontent/uploads/2015/11/ME_logo_large.jpg)
- 80- Fortune,(2018), China- Europe relations: the limits of strategic partnership international politics, no,47.
- 81- Gilpin, Robert, 2001. Global Political Economy, Understanding Economic Order. Princeton: Princeton University
- 82- Jiechi, Yang (2013). Implementing the Chinese Dream National Interest 10.
- 83- Kissinger, Henry (2011). China, New York, Penguin Press
- 84- Nesadurai, H. (2005). “Conceptualizing Economic Security in an Era of Globalization: What Does the East Asian Experience Reveal”, CSGR Working Paper No. 157/05 February.
- 85- Dorsey, James M. (2020), UAE Targets Turkey and Qatar in the Mediterranean, Modern Diplomacy, June 15, <https://moderndiplomacy.eu/2020/06/15/uae-targets-turkey-and-qatar-in-the-mediterranean/>
- 86- Cobban, Helena (2019), The UAE’s seedy influence operations are a footnote in the Mueller Report, Mondoweiss, <https://wespac.org/2019/05/03/the-uaes-seedy-influence-operations-are-a-footnote-in-the-mueller-report>
- 87- Thrall, Nathan. (2017). The Only Language They Understand: Forcing Compromise in Israel and Palestine, NewYork: Metropolitan Books.

Books

- 88- Ikenberry, John (2008). the Rise of China and the future of the west. Forlan Affairs, Journal February 2008.
- 89- Kissinger, Henry (2012). The future of US- Chinese Relations: conflict is a Choise, not a Necessity. Foreieen Policy.
- 90- Keohne, R. & Nye, J. (1977). Power and Interdeoendence: world Politics in Transition. Boston: Little, Brown.
- 91- Lee Khan nad Ming (2016). Sino- Indian Relations-from Hostility to mutual cooperations and complementation. japan center for economic research, Asia Research report.
- 92- Luttwak, -Edward (2004). From Geopolitics to Geo-Economics. Francis. Mandelbaum, Michael. 2011. The Road to Global Prosperity, New York: Simon and Schuster.
- 93- Petsinger, Marianne (2016). Geoeconomics Fellow in the US and Americas Programme at Chatham House.
- 94- Mearsheimer, John J. (2001). The Tragedy of Great Power Politics (Updated Edition). Publisher Norton company.
- 95- Moshirzadeh, Homeira (2004). Development in international Relations Theories. Publisher Samt
- 96- Nye, Joseph. 2015. Is the American Century Over? Cambridge, UK Press.
- 97- Obama, Barak, Speech Novamber 2011
- 98- Santasombat, Yos, ed (2015). Impact of China. Rise on the Mekong Region palgrave Macmillan.
- 99- Solis (2014). "Crude Oil Imports by Country". World's Top
- 100- Taylor, Peter (1994). Political Geography, Longman Scientific and Technical: U.K.
- 101- Thurow, Lester (2003). Fortune Favors the bold. What we must doto build a new New York Harper Business
- 102- Toffler, Alvin & Toffler, Heidi (2006). Revolutionary Wealth, Randam House, New York.
- 103- Toffler, Alvin (1990). Powershift: knowledge, Wealth, and Wiolence at the dege of the 21st century. Publisher Bantam Books.

- 104- www.Worldbank, 2017.
105- www.Commerce.gov.
106- Zakaria, Fareed (2008). *The Post American World*. Publisher Norton company.
Zhang, Jian (2015). *China New Foreign Policy under ۱۰۷ - GlobalChange, Peace & XiJinping: towards Peaceful Rise*. 2.0 Security 27.1: 5-19

Website

- 108- [Http://www.Office of the United States Trade Representative.com](http://www.OfficeoftheUnitedStatesTradeRepresentative.com)
109- [Http:// www. Merriam- Webster \(2019\), The Dictionary by Merriam-Webster is America English word](http://www.Merriam-Webster.com)
110- [Https: ge. Usembassy.gov](https://ge.usembassy.gov), 2017. *National Security Strategy of the United States of America*
111- [Http:// www.Web of Science.com](http://www.WebofScience.com). 2017
112- [Http:// www. Brand magazine.com](http://www.Brandmagazine.com), 2017
113- [Http:// www. Statista.com](http://www.Statista.com), 2018.
114- [Http:// www.China Daily.com](http://www.ChinaDaily.com), 2018.
115- [Http:// www.Eurostat online data code: ext_lt_maineu.com](http://www.Eurostatonline.com).
116- [Http:// www. IMF 2018.com](http://www.IMF.com).
117- [Http:// www. Fao 2017.com](http://www.Fao.com).
118- [Http:// www.International Development, 2015](http://www.InternationalDevelopment.com)
119- [Http:// www.ITC calculations based on UN COMTRADE and ITC statistics.](http://www.ITCcalculations.com)
120- [Http:// www.Qin,Xu and Zhang.com](http://www.QinXuandZhang.com) 2016
121- [Http:// www.QS.com](http://www.QS.com) 2019.
122- [Http:// www. R&D, Mag.com](http://www.R&DMag.com).
123- [Http:// www.stimated from CEIC Database](http://www.stimatedfromCEICDatabase.com) 2017
124- [Http:// www.worldometers.com](http://www.worldometers.com), 2017